



منبر مکتوب

مدیریت ذهن در جنگ روانی دشمن



مرکز تخصصی تبلیغ و ترویج



برای عضویت در کانال «حوزه و تبلیغ» اسکن کنید

فهرست

۵	عملیات روانی: مهم‌ترین بخش نبرد
۶	قرآن: کتاب درگیری و جهاد
۶	عملیات روانی شیطان در بهشت علیه حضرت آدم علیه السلام
۷	قرآن، کتاب مدیریت ذهن در درگیری
۸	مدیریت ذهن مؤمنان در قرآن
۹	مدیریت ذهن؛ شرط نصرت خدا
۱۰	آیات مشتی خدا برای مدیریت ذهن
۱۱	تاثیر پذیری مردم کوفاه از عملیات روانی
۱۲	کمک خدا هم جزء واقعیت های جنگ است
۱۳	شدیدترین عذاب ها برای کسانی که سوء ظن به خدا دارند و ذهنش را مدیریت نکردند
۱۴	سوره فتح؛ سوره برای مدیریت ذهن در علمیات روانی دشمن
۱۵	دفاع مقدس؛ دیدن خدا در وسط میدان
۱۶	چگونه ایمان نهایت واقع بینی است نه در تعارض با واقع بینی؟!
۱۸	مدیریت ذهن مثبت برای مؤمنین در مواجهه با عملیات روانی دشمن
۱۹	مومن به طاغوت یعنی بگویند دشمن هر کاری بخواهد می تواند انجام دهد
۲۰	عمر کسی با شهادت کم و زیاد نمی شود
۲۱	کدامیک را بیشتر دوست داری؟!
۲۲	سوره محمد علیه السلام : منبع شجاعت و امنیت؛ امیدبخش ترین سوره های قرآن در جهاد
۲۵	پیشنهاد دوم برای مدیریت ذهن
۲۶	دعا

مدیریت ذهن در جنگ روانی دشمن

« عملیات روانی: مهم‌ترین بخش نبرد

در جنگ، دشمن قبل از اینکه ساختمان‌ها را تخریب کند، انسان‌ها را به قتل برسند، و بعد از جنگ، در هر دو صورت، عملیات روانی است که انجام می‌دهد. عملیات روانی برای ترساندن، نا امید کردن، دلسرد کردن، و بعد از جنگ، عملیات روانی می‌کند برای اینکه خودش را پیروز نشان دهد، با یک قیافه‌ای بیایند در شبکه‌های اجتماعی و تلویزیون و به عنوان یک قدرت برتر تا دقیقه ۹۰ خودشان را نشان دهند. عملیات روانی مهم‌ترین بخش یک نبرد است و اگر بتوانند، هزینه‌های بسیار بیشتری برای عملیات روانی می‌کنند تا بتوانند جنگ را ببرند.



« قرآن: کتاب درگیری و جهاد

جالب این است که در قرآن کریم، که موضوع جهاد بسیار موضوع مهمی است، مستقیماً حدود ۸۰۰ آیه و غیرمستقیم درگیری‌هایی که در قرآن به آن‌ها پرداخته شده، حدود ۲۰۰۰ آیه است. این ۲۸۰۰ آیه در واقع یک آمار خیلی بالا است، می‌شود یک سوم قرآن که سرشار از درگیری است. حالا اگر درگیری انسان با ابلیس را هم بخواهیم اضافه کنیم، خیلی بیشتر از این حرف‌ها خواهد شد.

« عملیات روانی شیطان در بهشت علیه حضرت آدم علیه السلام

قرآن کتاب درگیری است. قرآن کتابی است که در درگیری انسان را می‌خواهد مدیریت کند، پیروز کند. قرآن در یک خلأ نازل نشده و انسان را هیچ‌وقت در یک خلأ نمی‌بیند. اگر قرآن می‌خواست در خلأ نازل شود، باید برای حضرت آدم علیه السلام در بهشت نازل می‌شد که آن‌جا به ظاهر هیچ دشمنی و مشکلی نبود، فقط خوبی‌ها برای او ذکر می‌شد. اما در بهشت هم خدا برای حضرت آدم علیه السلام، یک دشمن قرار داد و بعد فرمودید: دشمن توست، آغاز کن به درگیری! در بهشت، بدون هیچ کمبودی، بدون هیچ رقیبی، بدون هیچ دغدغه‌ای، خدا یک دشمن در مقابل او گذاشت. خب، انسان، آغاز کن! آخرش هم این دشمن، یعنی ابلیس، با یک عملیات فریب به او ضربه زد.

ابلیس وقتی می‌خواست حضرت آدم علیه السلام را ضربه بزند،

این خیلی ضربه بزرگی بود، هبوط از آسمان به زمین و افتادن در این دار بلا. در نهایت یک عملیات روانی بر روی حضرت آدم علیه السلام انجام داد: گفت: «هَلْ أَذِلُّكَ عَلَى شَجَرَةِ الْخُلْدِ» (طه، ۱۲۰)، می‌خواهی من تو را درختی که تو را به جاودانگی برساند، راهنمایی کنم؟ همه این داراییهایی که در بهشت داری؛ برای همیشه نگه داری؟ یک نگرانی انگار ته دل حضرت آدم علیه السلام ایجاد کرد که مبادا این‌ها را از دست بدهم. با یک عملیات روانی بر ذهن حضرت آدم علیه السلام فریب داد و گرنه حضرت آدم علیه السلام که ایمانش به خدا بود، کافی و عالی هم بود، معرفتش همه چیز سر جایش بود. روش شیطان بر فریب هم قسم خوردن به خدا بود و روایت آمده است که حضرت آدم علیه السلام باور نمی‌کرد کسی قسم به خدا بخورد و دروغ بگوید. «خَلَفَ لِي بِاللَّهِ كَاذِبًا إِنَّهُ لَمِنَ النَّاصِحِينَ وَلَمْ أَظُنْ يَا مُوسَى أَنَّ أَحَدًا يَخْلِفُ بِاللَّهِ كَاذِبًا فَوَثَّقْتُ بِيَمِينِهِ فَهَذَا عَذْرِي» (تفسیر عیاشی، ج ۲، ص ۱۰)

« قرآن، کتاب مدیریت ذهن در درگیری؛ یکی از عملیات های روانی دشمن؛ دوست جلوه دادن خود است همان کاری که شیطان با حضرت آدم علیه السلام کرد »

بنابراین اگر قرآن می‌خواست کتاب درگیری نباشد، باید در بهشت برای حضرت آدم علیه السلام نازل می‌شد، که این حرف غلط است. آن‌جا هم حضرت آدم علیه السلام دشمن داشت و خدا در بهشت فرمود: دشمن تو است، مواظب باش به تو ضربه نزنند! فَقُلْنَا يَا آدَمُ إِنَّ هَذَا عَدُوٌّ لَكَ وَلَزَوْجِكَ فَلَا يُخْرِجَنَّكَمَا مِنْ

الْجَنَّةِ فَتَشْقَى» (طه، ۱۱۷) و آخرش هم زد. پس قرآن مطلقاً کتاب درگیری است، چه برای حضرت آدم عَلَيْهِ السَّلَام در بهشت باشد، چه ما که دیگر حالا در بهشت نیستیم، مشکلات زیادی داریم که شیطان بخواهد بهانه کند و ذهن ما را منحرف کند، به ترس‌ها، به بسیاری از مسائل که در واقع وجود دارد.

ما از قرآن یاد می‌گیریم عملیات روانی دشمن یکی‌اش این است که خودش را دوست جلوه می‌دهد، خودش را دلسوز جلوه می‌دهد. شیطان قسم خورد که من دلسوز شما هستم؛ «وَقَاسَمَهُمَا إِنِّي لَكُمَا لَمِنَ النَّاصِحِينَ» (اعراف؛ ۲۱) آدم خنده‌اش می‌گیرد، واقعاً مسئولین این رژیم کودک‌کش می‌آیند خودشان را بعضاً دوست ملت ایران نشان می‌دهند و این آغاز عملیات روانی آن‌هاست و صورت‌های دیگری از عملیات روانی که دشمن دارد.

« مدیریت ذهن مؤمنان در قرآن

خداوند متعال از مؤمنین می‌خواهد، حالا عملیات روانی‌ای که خدا در قرآن انجام می‌دهد برای مؤمنین و به مؤمنین می‌فرماید: مدیریت کنید ذهن خودتان را در جنگ. جالب است، می‌فرماید: شرط پیروزی شما و کمک من به شماست. یک وقتی هست نیروهای نظامی دارند کارشان را انجام می‌دهند، می‌گویند: خدا کند مردم مایوس نشوند، ما هم نمی‌توانیم خیلی از اسرار را به این‌ها بگوییم، مردم دلشان قرص باشد، یک کلیاتی فقط می‌توانند به مردم



بگویند. حالا مردم دلشان قرص باشد یا نباشد، تعداد این سلاح‌ها کم و زیاد نمی‌شود، بالاخره این سلاح‌ها واقعیتش مشخص است چقدر است.

ولی یک وقت خداست، این حرف را می‌زند، می‌فرماید: اگر تو مدیریت ذهن کنی، ذهنت را بتوانی کنترل کنی از آسیب‌ها، من تو را بر دشمنت، علی‌رغم همه واقعیت‌ها، پیروز می‌کنم. بعد خدا می‌فرماید: من اگر کمکت نکنم، هیچ‌کس تو را نمی‌تواند پیروز کند. خدا در قرآن یک عبارت جالبی دارد، این عبارت خیلی مشتی است. می‌فرماید: «فَلَا تَخْشَوْهُمْ وَاخْشَوْنِي» (بقره، ۱۵۰)، از دشمن نترسید، از خود من بترسید! من بزنم، می‌خواهید چه کار کنید؟ من کمکتان نکنم، می‌خواهید چه کار کنید؟ از دشمن چه می‌خواهید بترسید؟ یعنی می‌بینید، ترس همان اتفاقی است که در ذهن انسان آغازش شروع می‌شود و ذهن انسان را مدیریت می‌کند.

« مدیریت ذهن؛ شرط نصرت خدا »

قرآن کتابی است که انسان را هدایت می‌کند در متن درگیری، از ابلیس گرفته تا دشمنان انسی. این قرآن که کتاب راهنمای ما در جهاد و درگیری است، توجه اصلی‌اش به مدیریت ذهن ماست و مدیریت ذهن ما را شرط نصرت خدا می‌داند.

خیلی نکته مهمی است. یعنی تو در دلت بترسی، مقدرات عالم در بیرون علیه تو کار خواهد کرد، مثلاً، شما دشمن



یک کاری کند، تو احساس کنی که مثل اینکه دیگر خدا نمی‌خواهد به من کمک کند. خدا شدیدترین لعنت‌هایش را برای منافقین می‌فرستد در قرآن به دلیل اینکه منافقین گمان سوء دارند به خدا که خدا کمک نخواهد کرد. ببینید، به دلیل سوء ظن به خدا که یکی از عوارض مدیریت ذهن توسط دشمن است، یکی از عوارض نپذیرفتن مدیریت ذهن از جانب خداست، لعنت می‌شوند منافقین به دلیل اینکه گمان سوء به خدا دارند. «الظَّالِمِينَ بِاللَّهِ ظَنُّ السَّوْءِ» (فتح، ۶)، که در این باره آیات قرآن خیلی عجیب‌اند و خیلی تصریح شده و اصلاً تعریف منافق در قرآن یکی‌اش با همین گمان سوء به خدا بردن است.

« آیات مشتی خدا برای مدیریت ذهن | هرکسی که فکر می‌کند خدا پیغمبرش را کمک نمی‌کند برود خودش را حلق آویز کند »

یک آیه دیگر هم بخوانم، می‌فرماید: «مَنْ كَانَ يَظُنُّ أَنْ لَنْ يَنْصُرَهُ اللَّهُ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ فَلْيَمْدُدْ بِسَبَبٍ إِلَى السَّمَاءِ ثُمَّ لْيَقْطَعْ فَلْيَنْتَظِرْ هَلْ يُذْهِبَنَّ كَيْدُهُ مَا يَغِيظُ» (حج، ۱۵). کسی گمان کند، بالاخره ذهن می‌رود به سمت سوء ظن، کسی گمان کند که خدا پیغمبر را در دنیا و آخرت، کمک نمی‌کند کسی گمان کند من کمکش نمی‌کنم، خودش را از آسمان آویزان کند، ببیند این حال بدش درست می‌شود یا نمی‌شود! یعنی چه؟ خودش را آویزان کند، یعنی برود نابود شود، برود دنبال یک عاملی بگردد، ببیند نجاتش می‌دهد.



این شبیه این است که برو خودت را حلقه آویز کن! هر که فکر کند من پیغمبرم را کمک نمی‌کنم، برود خودش را دار بزند، ببیند این به هم‌ریختگی روحی‌اش درست می‌شود. به هم‌ریختگی در این قیض، در این غض، به هم‌ریختگی در چی می‌شود؟ فقط با اینکه بیایی به من تکیه کنی، بیایی به من متصل شوی.

جنگ محل اتکا به خداست، محل اطمینان به خداست. لذا اگر در جنگ‌ها ما سوء ظن به خدا پیدا کنیم که خدا آیا ما را کمک خواهد کرد یا نه، مواجه با عذاب الهی خواهیم شد. و اگر بخواهد یک کسی مواجه با عذاب الهی شود، حالا عذابی که از جانب دشمن می‌رسد چیست در مقابل عذابی که از جانب خدا بخواهد برسد؟ تمامی ندارد!

« تاثیر پذیری مردم کوفه از عملیات روانی »

۱۴۰۰ سال مردم دارند اهل کوفه آن زمان را که امام حسین علیه السلام را یاری نکردند، نفرین می‌کنند. مردم کوفه‌ای که امام حسین علیه السلام را از ترس عملیات روانی یزید یاری نکردند و محاصره کردند، در عذاب هستند. ۱۴۰۰ سال، حالا تازه تا بعد از قیامت محشر ادامه دارد، مگر این‌ها نجات پیدا می‌کنند؟ در همین دنیا ذلت ابدی، آب خوش از گلویشان پایین نرفت. حجاج بن یوسف ثقفی‌ها بر آن‌ها حاکم شدند. بر اساس قرآن، در جنگ کسی نباید به خدا سوء ظن پیدا کند، باید مطمئن بگویند که خدا کمک خواهد کرد. خب، اگر بگوییم خدا کمک خواهد کرد، نتیجه‌اش چه می‌شود؟

خدا کمک می‌کند. بله، می‌فرماید: من بر خودم واجب کردم کمک مؤمنین را در مقابله با دشمن. خدا کم در قرآن کریم از این جور تعبیر دارد که من به خودم واجب کردم: «كَانَ حَقًّا عَلَيْنَا نَصْرُ الْمُؤْمِنِينَ» (روم، ۴۷)، بر من واجب است نصرت مؤمنین در آیات دیگری می‌فرماید من حتماً انبیا و مومنین پای رکاب آنها را کمک می‌دهم. «إِنَّا لَنَنْصُرُ رُسُلَنَا وَ الَّذِينَ آمَنُوا فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَ يَوْمَ يَقُومُ الْأَشْهَادُ» (غافر، ۵۱) من این‌ها را فرستادم در میدان، پس من کمکشان خواهم کرد. منتها صحنه‌ها گاهی جوری می‌شود که ما می‌گوییم: آخر در این شرایط چه طوری می‌خواهد کمک کند؟ در این شرایط، همین صحنه‌ها نباید ذهن ما را مدیریت کند.

« کمک خدا هم جزء واقعیت های جنگ است »

ما باید واقع‌گرا باشیم. واقع‌گرایی به چیست؟ فقط اسلحه دشمن را بشماریم؟! خب، خدا و کمکش هم جزء واقعیت‌های جنگ است. خدا هم واقعی‌ترین واقعیت عالم، خداست. بزرگ‌ترین واقعیت عالم، خداست. واقع‌بین باش! من اصلاً نمی‌گویم آدم مؤمنی باش، واقع‌بین باش! از امیرالمؤمنین علی علیه‌السلام پرسیدند: شما چه شد این قدر معرفتتان به خدا افزایش پیدا کرد؟ چه حرف عرفانی ایشان پاسخ دادند؟ نه، یک حرف واقع‌بینانه پاسخ دادند. فرمودند: «عَرَفْتُ اللَّهَ سُبْحَانَهُ بِفَسْخِ الْعَزَائِمِ وَ حَلِّ الْعُقُودِ وَ نَقْضِ الْهَمَمِ» (نهج البلاغه، حکمت ۲۴۷) قدرت خدا را در واقعیت دیدم، می‌تواند همه چیز را به هم بزند، گیر پشت هیچ تکنولوژی



و اسبابی نمی‌کند.

مردم یمن را دیدید، واقعاً چه جوری توانستند آمریکا را به عقب‌نشینی وادار کنند؟ تمام واقعیت‌ها را شما در نظر بگیرید، شما فقط بحث اتکا به خدا به عنوان بزرگ‌ترین واقعیت را در نظر بگیرید، خدا خودش دستور می‌دهد، می‌فرماید: نماز در جهاد، چند نفرتان بروید سر نماز، بقیه بروند اسلحه بگیرند، یک وقت دشمن به شما هجوم بیاورد: «وَ إِذَا كُنْتُمْ فِيهِمْ فَأَقَمْتَ لَهُمُ الصَّلَاةَ فَلْتَقُمْ طَائِفَةٌ مِنْهُمْ مَعَكَ وَ لِيَأْخُذُوا أَسْلِحَتَهُمْ فَإِذَا سَجَدُوا فَلْيَكُونُوا مِنْ وَرَائِكُمْ وَ لِتَأْتِ طَائِفَةٌ أُخْرَى لَمْ يُصَلُّوا فَلْيُصَلُّوا مَعَكَ وَ لِيَأْخُذُوا حِذْرَهُمْ وَ أَسْلِحَتَهُمْ وَ الَّذِينَ كَفَرُوا لَوْ تَغْفُلُونَ عَنْ أَسْلِحَتِكُمْ وَ أَمْتِعَتِكُمْ فَيَمِيلُونَ عَلَيْكُمْ مَيْلَةً وَاحِدَةً» (نساء، ۱۰۲). واقع‌بینانه، بله، همین‌طور است. ما واقع‌بینانه رفتیم موشک تهیه کردیم، واقع‌بینانه بچه‌هایمان در این زمینه‌ها متخصص شدند، این‌ها همه واقع‌بینی است. واقع‌بینی را نباید حذف کرد، منتها جزء این واقعیت‌ها، خدا هم هست دیگر، جایی سوء ظن ندارد. خدایا، ما همه کارهایی که لازم است انجام دادیم، مطمئنیم تو هم همه کارهایی که لازم است، انجام می‌دهی، عجب فتحی پیش خواهد آمد! و این‌ها همه اول در ذهن ما اتفاق می‌افتد.

« شدیدترین عذاب‌ها برای کسانی که سوء ظن به خدا دارند و ذهنش را مدیریت نکردند

خداوند متعال در آیه دیگری، می‌فرماید: «وَيُعَذِّبُ

الْمُنَافِقِينَ وَالْمُنَافِقَاتِ وَالْمُشْرِكِينَ وَالْمُشْرِكَاتِ الظَّالِمِينَ بِاللَّهِ ظَنَّ السَّوْءِ عَلَيْهِمْ دَائِرَةُ السَّوْءِ وَغَضِبَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ وَلَعَنَهُمْ وَأَعَدَّ لَهُمْ جَهَنَّمَ وَسَاءَتْ مَصِيرًا» (فتح، ۶). خدا عذاب می‌کند با چه غضبی منافقین و منافقات و مشرکین و مشرکات را که گمان بد به خدا بردند که خدا کمک نمی‌کند، علیه آن‌ها دایره سوء، همه بدی‌ها بر سر این‌ها خراب شود خدا غضب بر این‌ها نازل کند و لعنتشان کند و برایشان جهنم را آماده کرده است. چرا؟ به دلیل سوء ظن به خدا. ما در مدیریت ذهنمان باید به شدت حساس باشیم، یک وقت دشمنان کاری نکنند ما فکر کنیم خدا نمی‌تواند ما را کمک کند.

«سوره فتح؛ سوره برای مدیریت ذهن در عملیات روانی دشمن»

یکی از سوره‌های به مدیریت ذهن در عملیات روانی دشمن کمک می‌کند، خیلی قلب مؤمنین را تقویت می‌کند. می‌فرماید: «هُوَ الَّذِي أَنْزَلَ السَّكِينَةَ فِي قُلُوبِ الْمُؤْمِنِينَ لِيَزْدَادُوا إِيمَانًا مَعَ إِيمَانِهِمْ وَلِلَّهِ جُنُودُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَكَانَ اللَّهُ عَلِيمًا حَكِيمًا» (فتح، ۴). اوست که آرامش می‌دهد به قلوب مؤمنین تا ایمان بر ایمانشان افزوده شود، در بحران، در جنگ «وَلِلَّهِ جُنُودُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَكَانَ اللَّهُ عَلِيمًا حَكِيمًا» (همان) این به اصطلاح، لشکر آسمان‌ها، جنود آسمان‌ها و زمین دست خداست و خدا هم همه چیز را می‌داند، هم حکمت دارد، دارد به دشمن فرصت می‌دهد، و شما خیالت راحت باشد، شما ذهنت خراب نشود، آرامش



خودت را حفظ کن.

« دفاع مقدس؛ دیدن خدا در وسط میدان

یکی از رزمندگان اسلام نقل می کرد که ما در جبهه های جنگ، خدا را در آرامش رزمندگان مومن می دیدیم. کسی بگوید خدا را نمی شود دید، فرمود: «عَمِيتُ عَيْنٌ لَا تَرَاكَ» (بحار الانوار، ج ۶۴، ص ۱۴۲) کور باشد چشمی که تو را نمی بیند، ای خدا! می دیدیم! یک فرمانده ای بود در عملیات بیت المقدس، واقعاً خط خالی شده بود، از بس بچه ها را زده بودند. داخل سنگر به من گفتند: برو به این فرمانده بگو، یک بی سیم بزند، نیروی کمکی بیاید. حالا ما در شرایطی بودیم که با تیمم نماز می خواندیم، پوتین در نمی آوردیم، اصلاً نمی شد بلند شویم بایستیم برای نماز. آمدم دیدم این فرمانده گردان بود، ظاهراً، بله، فرمانده گردانی بود که بعداً فرمانده تیپ شد و بعد به شهادت رسید. ایشان کفش هایش را درآورده، دارد پاهایش را از خستگی عملیات دیشب می شورد. آقا، شما به ما می گوید پوتین پایتان باشد و این ها، خودت با خیال راحت! گفتم: بچه ها می گویند خط خالی شده، همه بچه ها مجروح، شهید شدند، اگر می شود بی سیم بزنید. گفت: هر کسی می ترسد، برود عقب، خدا هست! آقا، من این کلماتش و آن آرامشش هیچ وقت یاد نمی رود. این مهم است که در چه موقعیتی دارد این حرف را می زند. خط از نیرو خالی است، زیر آتش، آرامش، آرامش! خب، آدم آن جا خدا را حس می کند،

حضورش را. دقت فرمودید، این حس، نمی دانم، ممکن است بگویید این حس با چشم نیست، بله، حواس ما که فقط چشم و گوش و دماغ و دهان و این ها که نیست که! ما حواس دیگری هم داریم. حالا همه دنیا می دانند انسان از حس ششم گرفته تا حس های دیگر، همه دارند درباره آن حرف می زنند. ما خدا را می دیدیم در ایمان و آرامش آن ها. واقعاً خدا این کار را می کرد که آرامش می دهد. می فرماید: تو به من سوء ظن نداشته باش، بعد ببین من چه آرامشی به تو می دهم. این یعنی مدیریت ذهن در جنگ.

« چگونه ایمان نهایت واقع بینی است نه در تعارض با واقع بینی؟! »

وقتی که می فرماید: «هُوَ الَّذِي أَنْزَلَ السَّكِينَةَ فِي قُلُوبِ الْمُؤْمِنِينَ لِيَزْدَادُوا إِيمَانًا مَعَ إِيمَانِهِمْ» (فتح، ۴) ایمان یعنی همان علم اثر گذاشته روی قلب من، مرا به احساس امنیت رسانده. وقتی این احساس امنیت نباشد، یعنی ایمان نیست، یعنی آن علم کار خودش را نکرده، یک اختلالی این جا وجود دارد، یا قلب به یک چیزهای زیادی وابسته است، یا آن فکر درست کار نمی کند، این احساس امنیت باید ایجاد شود، لذا ما می گوییم ایمان، بعضی ها فکر نکنند که ایمان در تعارض با واقع بینی است خیر، ایمان نهایت واقع بینی است!

شما گاهی می روید در واقعیت فیزیکی، مثلاً یک هواپیما در حال سقوط کردن است، همه مسافران نگران اند، اما

هوایما می‌آید روی زمین می‌نشیند، همه احساس امنیت می‌کنند. این احساس امنیت را از فضای مادی به دست آوردند، یک فرایند فیزیکی. حالا گاهی اوقات این احساس امنیت را آدم از علم خودش به قدرت خدا به دست می‌آورد، همان طور که از علم به اینکه روی زمین ایستادی به دست آوردی. آن هم یک علم است، این هم علم است.

اما در این میان برخی از افراد روحیه شان خراب است، با اینکه هوایما به سلامت روی زمینه نشسته هم باز دارند می‌لرزند، به او می‌گویند: بابا، تمام شد دیگر، هوایما سقوط نکرد، ما الان روی زمینیم! باز دارد دستش می‌لرزد، یعنی این یک اختلال روحی دارد. با اینکه این علم را دارد که الان روی زمین است، ترس هنوز با او همراه است دارد. ، اختلال روانی تعبیر من نیست، تعبیر قرآن است: «فِي قُلُوبِهِمْ مَرَضٌ» (بقره، ۱۰). این یک بیماری است که نمی‌تواند ایمان بیاورد. این بیماری که علم به خدا پیدا می‌کند، ایمان به خدا پیدا نمی‌کند، خیلی عمیق تر است و فقط ناشی از فسق و فجور آدم و نامردی‌های باطنی آدم است. کسی تا نامرد نباشد، این بی‌ایمانی را دچار نمی‌شود. کسی تا ظالم نباشد، دچار کفر نمی‌شود که ببیند و باز قبول نکند. قبول نکند! یک مرضی دارد و خدا خودش می‌آید بنده خودش را آرام می‌کند.

« مدیریت ذهن مثبت برای مؤمنین در مواجهه با عملیات روانی دشمن »

حالا ببینید، پس ما یک مدیریت ذهن منفی از طرف دشمن، از طرف شیطان دیدیم که آن سوء ظن بود، چقدر خدا به اینها که تحت تاثیر قرار می گیرند. این را بگذاریم کنار، یک مدیریت ذهن مثبت داریم برای مؤمنین که هم خدا این مدیریت را اعمال می کند، هم خود مؤمن در اثر آن واقع بینی و ایمانش این را در خودش ایجاد می کند. ببینید چقدر زیباست این آیه: «الَّذِينَ قَالَ لَهُمُ النَّاسُ إِنَّ النَّاسَ قَدْ جَمَعُوا لَكُمْ فَاخْشَوْهُمْ فَزَادَهُمْ إِيمَانًا وَقَالُوا حَسْبُنَا اللَّهُ وَنِعْمَ الْوَكِيلُ» (آل عمران، ۱۷۳). کسانی که مردم به آن ها می گویند: همه علیه شما جمع شده اند، بترسید! این ها ایمانشان زیاد می شود. آقا، تو را می ترسانند، چرا ایمانت زیاد می شود؟ گفتند: خدا برای ما کافی است، چون به قدرت خدا ایمان دارد، و سالم است، قدرت خدا را علم دارد. این قدرت آمده، احساس امنیت به او داده، گفتند: حَسْبُنَا اللَّهُ وَنِعْمَ الْوَكِيلُ. آن خدایی که این راطراحی کرده، آسمان و زمین را، از دفاع کردن از من عاجز است؟ برو ببینیم! آقا، وقتی آنها را می ترسانن، مومنین واقعی ایمانش زیاد می شود. ببین، نه اینکه بگویند من ایمان دارم و نمی ترسم، اتفاقاً برعکس، یک حقیقتی در دستش است حالا هر کسی او را بترساند جا نمی خورد.

یکی از ایران امام رضا علیه السلام از اذیت های مردم شکایت



می‌کرد، حضرت به او فرمود: تو یک گوهری در دستت باشد، هر کسی به تو بگوید این گوهر نیست، تو به هم می‌ریزی؟ گفت: نه، دیگر می‌دانم دارم! فرمود: خب، پس چه خیالی داری، برو! هرچی هر کسی بخواهد بگوید! مثلاً شما ممکن است یک الماسی در دست داشته باشی که بتوانی ساختمان خیلی گران‌قیمت را بخری.. یک کسی بگوید: تو هیچی نداری! بعد از یک مدتی یادت می‌رود این الماس در دست تو است، در کیفیت، در جیبت است، می‌خواهی بروی، اتفاقاً حالا معامله کنی، یکی دو روز مانده، حواست نیست، برای تو عادی شده. به یکباره به تو می‌گویند: تو هیچ نداری! یادت می‌افتد، یک لبخند روی لب‌ت می‌اندازی، می‌گویی: «من هیچی ندارم؟!» باشد، باشد! ببینید، این‌ها یاد خدا می‌افتند وقتی دیگران آن‌ها را می‌ترسانند، یاد آن قدرت لایزال پشت سرشان می‌افتند.

« مومن به طاغوت یعنی بگوید دشمن هر کاری بخواهد می‌تواند انجام دهد »

حالا یک یک مفهومی در قرآن داریم، پدیده‌ای را حکایت می‌کند که در دنیا هست، بعضی افراد، ایمان به طاغوت می‌آورند! **يُؤْمِنُونَ بِالْجَبْتِ وَالطَّاغُوتِ** (نساء، ۵۱) بله، ایمان به طاغوت در قرآن خیلی وحشتناک تقبیح شده. ایمان به طاغوت این است: بگوید او هر کاری بخواهد، می‌تواند انجام دهد، تو مؤمن به طاغوت شدی! کارت تمام است! جزء مستضعفینم باشی، در قرآن وعده داده شده: به اندازه

مستکبرین جنایتکار، دو برابر در جهنم عذاب خواهد شد. «قَالَ ادْخُلُوا فِي أُمَمٍ قَدْ خَلَتْ مِنْ قَبْلِكُمْ مِنَ الْجِنَّ وَالْإِنْسِ فِي النَّارِ كُلَّمَا دَخَلَتْ أُمَّةٌ لَعَنَتْ أُخْتَهَا حَتَّى إِذَا آذَرُكُوا فِيهَا جَمِيعاً قَالَتْ أَخْرَاهُمُ لِأَوْلَاهُمْ رَبَّنَا هَؤُلَاءِ أَضَلُّونَا فَآتِهِمْ عَذَاباً ضِعْفاً مِّنَ النَّارِ قَالَ لِكُلِّ ضِعْفٌ وَلَكِنْ لَا تَعْلَمُونَ» (اعراف، ۳۸)

چرا به او ایمان آوردی؟ چرا می‌گویی که او هر کاری بخواهد می‌تواند؟ و خدا می‌فرماید: فقط من می‌توانم هر کاری بخواهم انجام دهم، او نمی‌تواند! من با یک نگاه می‌توانم نفسش را بگیرم، دچار سخت‌ترین اشتباهاتش کنم، همه محاسباتش را به هم بزنم، کما اینکه الان صهیونیست‌ها دچار شدیدترین اشتباه محاسباتی در کل دوران حیات شومشان شدند، سخت‌ترین اشتباه محاسباتی‌شان را کردند.

« عمر کسی با شهادت کم و زیاد نمی‌شود

خداوند متعال می‌فرماید: وقتی مؤمنان را نفوذی‌ها از قدرت دشمن می‌ترسانند، تازه ایمانش افزوده می‌شود. لذا در این امتحانات اخیر، هر کسی یک محاسبه معنوی برای خودش بگذارد، یک محاسبه روحی، در واقع معنوی که می‌گوییم، یک محاسبه روحی، ما چقدر ضعف داریم؟ مثلاً بعضیا ممکن است بگویند: آقا، بالاخره واقعیتی است دیگر، شهادت و کشته شدن. ولی این هم واقعیت است که عمر کسی با جنگ زیاد و کم نمی‌شود، امیرالمؤمنین فرمود: «فَإِنَّهُ لَيْسَ عَنِ الْمَوْتِ مَحِيصٌ؛ إِنَّكُمْ إِنْ لَا تُقَاتِلُوا تَمُوتُوا» (ارشاد مفید، ج ۱، ص ۲۳۸) « حالا این عزیز دل ما الان فوت می‌کرد،

خوب بود؟ مرگش علامت صداقتش شد، پرچمی برای راهش شد، دل ما را آتش زد. این آتش زدن دل ما هم در راه خدا هزینه شد، سندی بر حقانیت ما شد، و قدرتی شد که بعد از مرگ هم ادامه بدهد. فوت کرده بود؛ خوب بود؟ «يَذُرْكُمْ الْمَوْتُ وَلَوْ كُنْتُمْ فِي بُرُوجٍ مُّشَيَّدَةٍ» (نساء، ۷۸). از دشمن باید انتقام گرفت، آن تردیدی نیست، ولی ما این انتقام را بدون حسرت می‌گیریم. اگر کسی حسرت بخورد، مدیریت ذهنش به دست شیطان. اتفاقاً در قرآن دارد، می‌فرماید: منافقین می‌نشینند، می‌گویند: فلانی اگر نرفته بود، درگیر نشده بود، الان زنده پیش ما بود. می‌فرماید: این را منافقین می‌گویند: «قَالُوا لَوْ كَانُوا عِنْدَنَا مَا مَاتُوا وَمَا قَتَلُوا» (آل عمران، ۱۵۶). منافقی همچین حرفی می‌زند، چون مؤمن می‌گوید: عمر دست خداست. چقدر جالب است! فوق‌العاده است! ما به آیات جهاد و بحث مدیریت ذهن در آیات جهاد بپردازیم.

« کدامیک را بیشتر دوست داری؟! »

یکی دیگر از آیات مرتبط با مدیریت ذهن در جهاد و جنگ این آیه است که می‌فرماید: «قُلْ إِنْ كَانَ آبَاؤُكُمْ وَأَبْنَاؤُكُمْ وَإِخْوَانُكُمْ وَأَزْوَاجُكُمْ وَعَشِيرَتُكُمْ وَأَمْوَالٌ اقْتَرَفْتُمُوهَا وَتِجَارَةٌ تَخْشَوْنَ كَسَادَهَا وَمَسَاكِينُ تَرْضَوْنَهَا أَحَبَّ إِلَيْكُمْ مِنَ اللَّهِ وَرَسُولِهِ وَجِهَادٍ فِي سَبِيلِهِ فَتَرَبَّصُوا حَتَّى يَأْتِيَ اللَّهُ بِأَمْرِهِ وَاللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الْفَاسِقِينَ»؛ بگو: اگر پدران، فرزندان و برادران، همسران و خویشان، و اموالی که فراهم آورده‌اید و تجارتی که از بی‌رونقی و کساد می‌ترسید

و خانه‌هایی که به آنها دل خوش کرده‌اید، نزد شما از خدا و پیامبرش و جهاد در راهش محبوب‌ترند، پس منتظر بمانید تا خدا فرمان عذابش را بیاورد؛ و خدا گروه فاسقان را هدایت نمی‌کند.» (توبه، ۲۴) این آیه با جزئیات ذکر شده است، خداوند متعال به یک عبارت کلی بسنده نکرده که مثلاً اگر دنیا را بیشتر از خدا و پیغمبر و جهاد دوست داشته باشید من چه می‌کنم. نه با جزئیات فرمود اگر هشت چیز را بیشتر از خدا و پیغمبر و جهاد دوست داشته باشید با شما چه خواهم کرد. با جزئیات بیان می‌کند. پدرت، فرزندان، قوم و خویشان، همسرت، قوم و خویش؛ اموالت، اموالی که جمع کردی و تجارتی که می‌ترسی کساد بشود و خانه‌هایی که درست کردی اینها پیش شما محبوب‌ترند که به خاطر اینها از جهاد کم می‌گذاری؟ ببینید این آیه با ذهن ما چه میکند؟ خدا ذهن خوانی می‌کند.

اینها از خدا و پیغمبر و جهاد پیش تو محبوب‌ترند؟ خدا اینجا شروع می‌کند به تهدید کردن؛ صبر کن بلای خدا سرت نازل می‌شود.

«سوره محمد ﷺ: منبع شجاعت و امنیت؛ امیدبخش‌ترین سوره‌های قرآن در جهاد»

برای مدیریت ذهن، پیشنهاد می‌کنم سوره محمد ﷺ را هر شب در مساجد تلاوت کنید؛ سوره محمد ﷺ، یکی از جهادی‌ترین سوره‌های قرآن است، یکی از امیدبخش‌ترین سوره‌های قرآن در جهاد است. در روایات آمده که کسی

این سوره را بخواند، شجاعت پیدا می‌کند دیگر از هیچ سلطان جائری نمی‌رسد. حتی در برابر اجتنه‌ها، دشمنان جنی و انسی، امنیت انسان افزایش پیدا می‌کند، در خواب و بیداری. حتی در روایات است که فقر را از بین می‌برد، فوق‌العاده است! این سوره شجاعت به انسان می‌دهد. این خیلی چیز عجیبی است! شجاعت یعنی مسلط بر ذهن شدن تا اینکه ترس غلبه پیدا نکند؛ اوجش است که خدا در آغاز سوره می‌فرماید آمریکا هیچ غلطی نمی‌تواند بکند؛ این کلام حضرت امام، از آیه اول برداشت می‌شود یا خیر؟ می‌فرماید: «وَالَّذِينَ كَفَرُوا فَتَعْسًا لَهُمْ وَأَضَلَّ أَعْمَالَهُمْ» (محمد، ۸)، این سوره خیلی سوره فوق‌العاده‌ای است. آخر این سوره هم از ایرانی‌ها صحبت می‌کند، می‌فرماید: در آینده یک قوم می‌آمدند، همه گفتند کدام قوم؟ فرمود: قوم سلمان فارسی، آن‌ها دیگر مثل مسلمانان صدر اسلام نیستند، آن‌ها قوی هستند، که پای دین فداکارانه ایستادند.

بعد ببینید، چگونه ذهن ما را در جنگ مدیریت می‌کند. مثلاً یکی از این آیات سوره می‌فرماید: «وَلَوْ يَشَاءُ اللَّهُ لَانْتَصَرَ مِنْهُمْ وَلَكِنْ لِيَبْلُوَ بَعْضَكُمْ بِبَعْضٍ» (محمد، ۴). خدا اگر می‌خواست، خودش دشمنان شما را نابود می‌کرد، برای خدا که کاری ندارد، اما می‌خواهد من و شما را امتحان می‌کند. این چقدر آرامش به آدم می‌دهد؟ پس دشمن واقعیت جدی ندارد، خدا دارد از ما یک امتحانی می‌گیرد. امتحان خدا هم که بی‌برو و برگشت است

این جا آدم ممکن است به ذهنش برسد: ببین، ما می‌رویم، برای جنگیند؛ ولی خب، حالا کسی در این جنگ، کشته شود چه؟ می‌فرماید: بعد می‌فرماید: «وَالَّذِينَ قُتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَلَنْ يُضِلَّ أَعْمَالَهُمْ» (محمد، ۴). یعنی به هدفش رسیده و اعمالش تباه نمی‌شود. این‌ها کمک می‌کند به ذهن ما که ذهن ما آرام شود.

در ادامه می‌فرماید: «أَفَلَمْ يَسِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَيَنْظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ دَمَّرَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ وَلِلْكَافِرِينَ أَمْثَالُهَا» (محمد، ۱۰). ندیدید ما عاقبت دیگران را چه کار کردیم؟ دمر الله علیهم، دمر یعنی مثلاً بلندشان کنند، با مغز بکوبند زمین! دشمنان شما را من این‌جوری نابود می‌کنم، قوت قلب به آدم می‌دهد. بعد این آیه فوق‌العاده زیبا، از یک جهتی زیباترین است، می‌فرماید: «ذَلِكَ بِأَنَّ اللَّهَ مَوْلَى الَّذِينَ آمَنُوا وَأَنَّ الْكَافِرِينَ لَا مَوْلَى لَهُمْ» (محمد، ۱۱). به خاطر اینکه خدا پشتیبان و مولای مؤمنین است و کافران مولا ندارند، اصلاً کس و کاری ندارند!

خدا شاهد است، یک ذره انسان، زبان بدن را در روان‌شناسی خوانده باشد، ترس را در چهره دشمن می‌توانی ببینی، آن وقتی که دارد در اوج غرور، در اوج به‌ظاهر پیروزی، خدا با مغز می‌کوبدش زمین. همان موقعی که دارد از پیروزی‌اش دم می‌زند، ترس در چشمانش موج می‌زند، چون پشتیبانی ندارد، آرامش ندارد، مولا ندارد. ما مولا داریم، مولایی مثل خدا!



« پیشنهاد دوم برای مدیریت ذهن: دعای صحیحہ سجادیہ برای رزمندگان؛ دعای مدیریت ذهن در جنگ

پیشنهاد دوم ما برای مدیریت ذهن، دعای امام سجاد علیه السلام برای مرزداران، که البته مشهور شده به مرزداران، برای رزمندگان در حال جنگ بیشتر تناسب دارد: «وَأَنْسِيهِمْ عِنْدَ لِقَائِهِمُ الْعَدُوَّ ذِكْرَ دُنْيَاهُمْ الْخَدَاعَةِ الْغُرُورِ» (صحیحہ سجادیہ، دعای ۲۷)، خدایا، فراموش کن در ذهن این‌ها، فراموشی بهشان بده از دنیای فریبنده. کاری کن این‌ها فراموش کنند دنیا را. «وَأَمْحُ عَنْ قُلُوبِهِمْ خَطَرَاتِ الْمَالِ الْقُتُونِ» (همان)، از قلبشان آن تعلقات مالی را حذف کن. «وَأَجْعَلِ الْجَنَّةَ نُصَبَ أَعْيُنِهِمْ» (همان)، بهشت را در مقابل دیدگان این‌ها قرار بده. خیلی توضیحش مفصل است. در ادامه دعا می‌فرماید: «فَإِذَا صَافَّ عَدُوَّكَ وَ عَدُوَّهُ فَقَلِّلْهُمْ فِي عَيْنِهِ، وَ صَغِّرْ شَأْنَهُمْ فِي قَلْبِهِ» (همان)، خدایا برای رزمندگان اسلام ذهنش را مدیریت ذهن کن چگونه؟ دشمن را پیش این‌ها کوچک قرار بده، خار بشوند که بتوانند محکم بزنن. این دعای بسیار ویژه‌ای است، این را برای رزمندگان بخوانند.

پیشنهاد می‌کنم دعای صحیحہ سجادیہ برای رزمندگان را شب‌ها در مساجد بخوانم، خیلی نامردی است به خدا! آقا، این همه دارند تلاش می‌کنند، شهید می‌شوند، با شهادتشان صداقت خودشان را نشان دادند، آن وقت ما از یک دعا برایشان دریغ کنیم؟ حالا از این بالاتر، قسمت آخر

این دعاست: «لَلّهُمَّ وَ أَتَيْمًا مُسْلِمٍ أَهَمَّهُ أَمْرُ الْإِسْلَامِ، وَ أَحَزَنَهُ تَحَرُّبُ أَهْلِ الشَّرْكِ عَلَيْهِمْ فَتَوَى غَزَاؤُهُمْ بِجِهَادٍ» (همان).
 خدایا، هر مؤمنی، هر مسلمانی اهمیت می دهد، در ذهنش دغدغه دارد، و اتحاد اهل شرک علیه آن ها او را اندوهگین کرده است، نیت کرده برود بجنگد، ببینید، نیت کرد برود جهاد، همت دارد برود تلاش کند، «فَقَعَدَ بِهِ ضَعْفٌ»، به خاطر ضعف، نمی تواند، امکانش را ندارد، به هر دلیلی، در یک خط توضیح می دهد انواع دلیل را، می فرماید: «فَاكْتُبِ اسْمَهُ فِي الْعَابِدِينَ، وَ أُوجِبْ لَهُ ثَوَابَ الْمُجَاهِدِينَ» (همان)، ثواب مجاهدین را خدایا برای او بنویس، «وَ اجْعَلْهُ فِي نِظَامِ الشُّهَدَاءِ وَ الصَّالِحِينَ.»، خدایا، این فرد را در صف شهدا و صالحین قرار بده.

« دعا

خدایا، رزمندگان ما، روحیه شان را، ذهنشان را به دست خاص خودت، به دست کرم خودت هدایت و تقویت بفرما. خدایا، مکر دشمنان ما را به خودشان برگردان، ثمره این شهیدان و الامقام که باورش هنوز سخت است، ثمره خون این شهیدان را نصرت فوری اسلام و انقلاب بر صهیونیست ها قرار بده.

